

بازتعریف گفتمان توسعه پایدار در تطابق با نظریه‌ی جهانی شدن انعطاف‌پذیر

مژده جمشیدی*؛ میترا حبیبی؛ رضا حقیقت نائینی^۳

چکیده

از دهه ۱۹۸۰ میلادی به دنبال نشر اندیشه‌ی نئولیبرالیسم، دنیای شهری در پی افزایش نفوذ بازار بر همه‌ی ارکان زندگی، مخاطراتی را در نحوه عملکرد سیستم‌های سازنده خود تجربه می‌کند. مخاطراتی که در حوزه یک سیستم پیچیده تحت تأثیر چرخه‌های دانش، اطلاعات و تکنولوژی از یکسو و نیروهای مؤثر، شامل نیروهای درونی (پیچیدگی و همبستگی) و نیروهای بیرونی (پراکندگی و فشردگی) از سوی دیگر و در راستای تحقق مفاهیم رقابت شهری رخ می‌دهد. این مخاطرات، آشفتگی‌ها و اختلالاتی را در ساختار کلی سیستم‌های پیچیده شهری وارد کرده که با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر و تجلی مفهوم جهانی شدن شدت بیشتری یافته و لزوم تغییرات اساسی را در برنامه‌ریزی به‌منظور حل مسائل جدید ایجاد کرده است. در این راستا، تغییر برنامه‌ریزی در دهه ۷۰-۸۰ میلادی به پارادایم انتقادی در قالب برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی که خود مجموعه‌ای از بحران‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی را در پی داشته، کارساز نبوده و لزوم بازاندیشی در نحوه برنامه‌ریزی را به‌منظور کنترل مخاطرات و آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی در پی داشته است. نتیجه این بازاندیشی، پارادایم انعطاف‌پذیری پسامدرنیسم می‌باشد که بر کلیه اندیشه‌های آغازین قرن ۲۱ مسلط بوده است. این چکیده به‌عنوان روایتی تحلیلی به بررسی اجمالی شرایط روز دنیای شهری، با تأکید بر نظریه‌ی انعطاف‌پذیری حاکم بر آغاز قرن ۲۱، بر اساس دو محور مفهوم رقابت‌پذیری جهانی و گفتمان توسعه پایدار، می‌پردازد. این روایت در سه گام اصلی به بازشناسی مفاهیم مزبور و میزان تأثیرپذیری گفتمان پایداری از این نظریه می‌پردازد. در گام نخست چشم‌انداز شهر در عصر جهانی شدن به‌منزله‌ی تصویر فشردگی فضا و زمان (جهانی شدن پسامدرنیسم) تبیین و از منظر آن چرخه‌ها و نیروهای مؤثر بر تغییر سیستم‌های شهری تعریف و رویکرد رقابت شهری به‌عنوان یک رویکرد غالب در تولید و بازتولید فضا معرفی می‌شود. در گام دوم، گفتمان پایداری و سیر تکاملی آن در راستای کاهش مخاطرات جامعه جهانی بررسی و اجزای آن برای تطابق با پارادایم انعطاف‌پذیری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گام سوم به‌عنوان جمع‌بندی، با روش بررسی تطبیقی بین مفهوم‌های استخراج‌شده در دو گام پیشین، به‌منظور سازگاری و تطابق در عصر حاضر گفتمان توسعه پایدار مورد بازخوانی و بازتعریف قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

پسامدرنیسم، فشردگی زمان و فضا، نظریه‌ی انعطاف‌پذیری، رقابت شهری، گفتمان توسعه پایدار.

۱- دکترای شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس دانشگاه هنر تهران، تهران.

۲- استادیار، دانشکده شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران.

۳- دانشیار، دانشکده شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران.

* نویسنده مسئول: mojdeh.jamshidi84@gmail.com

مقدمه

نظریه‌ی برنامه‌ریزی معرفی می‌کند که قادر است به پیوند فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی همراه با فرآیندهای اکولوژیکی و باز ساخت ماهیتی برنامه‌ریزی به‌منظور افزایش ظرفیت و توان کنترل تحولات بپردازد.

پذیرش شهرها به‌عنوان سیستم‌های پیچیده که مجموعه‌ای از کنش‌های تعریف‌شده و تعریف‌نشده/مشخص و نامشخص/ملموس و ناملموس را بین مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی - فضایی ایجاد می‌کنند و شرایط بحرانی ارتباط میان این مؤلفه‌ها از یکسو و کثرت مدل‌های اندیشه‌ای و کثرت‌گرایی پارادایم‌های فکری در این زمینه، نگارندگان را بر آن داشت تا در این مکتوب ضمن داشتن نگاهی انتقادی به شرایط آغازین قرن ۲۱ (سلطه مدل‌های نئولیبرالیسم جهانی)، به بررسی و سیر تکاملی یکی از مفاهیم این عصر در قالب یک گفتمان غالب و جهانی، یعنی گفتمان توسعه پایدار، به‌منظور دستیابی به یک تعریف جدید با متناسب با شرایط و جایگاه حاضر (ملی و بین‌المللی) به‌گونه‌ای که امکان رابطه‌ای هماهنگ و متعادل میان زیرسیستم‌های شهری را تأمین گردد، بپردازند.

ساختار اندیشه‌ای این مکتوب در سه گام اصلی و با تأکید بر سه مفهوم کلیدی انعطاف‌پذیری، رقابت‌پذیری و توسعه پایدار در یک چارچوب تحلیل - انتقادی تدوین شده است. این ساختار اندیشه‌ای روایتی از میزان تأثیرپذیری گفتمان توسعه پایدار از شرایط اندیشه‌ای حاکم در هر دوره است و لزوم بازتعریف آن را بر اساس دو مفهوم انعطاف‌پذیر جهانی و رقابت شهری را تبیین می‌کند.

گام آغازین، تبیین وضعیت در عصر حاضر

در گام نخست با یک رویکرد (روش) توصیفی - تحلیلی چشم‌انداز شهر در آغاز قرن ۲۱ و تجلی مفهوم جهانی‌شدن (به‌منزله‌ی تصویر فشرده‌گی فضا و زمان، آن‌گونه که دیوید هاروی از آن نام می‌برد) ترسیم می‌شود. در این گام بیشتر بر اندیشه و آرای دیوید هاروی تأکید شده است. در این راستا چرخه‌ها و نیروهای مؤثر بر ساخت و تغییر سیستم‌های شهری با توجه به مفهوم جهانی‌شدن تعریف می‌شود و سپس دو مفهوم کلیدی که بر اندیشه‌های این عصر تأثیرگذار است، یعنی رویکرد رقابت شهری به‌عنوان یک رویکرد غالب در تولید و بازتولید فضا و رویکرد و نظریه‌ی انعطاف‌پذیری جهانی معرفی می‌شود.

گام دوم، تبیین مفهوم و شناسایی عناصر و مفاهیم سازنده

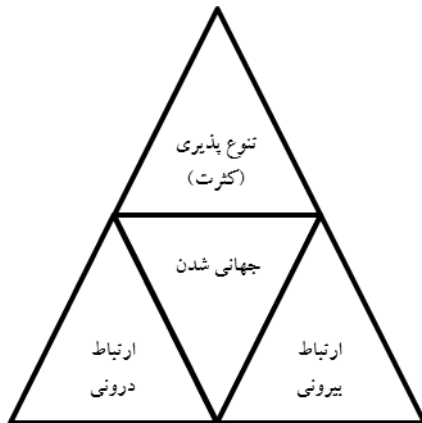
در این بخش، با یک رویکرد تفسیری - تحلیلی، گفتمان پایداری و سیر تکاملی آن در راستای کاهش مخاطرات جامعه

اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌عنوان نقطه عطفی در دنیای شهری به شمار می‌آید. در این دوران ظهور مسائل جدید در قالب آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی از یک‌سو و آسیب‌های ناشی از توسعه‌های شهری بر سیستم‌ها و زیرسیستم‌های وابسته از سوی دیگر، لزوم بازتعریفی در پارادایم و نظریه‌ی برنامه‌ریزی و از آن‌منظر برنامه‌ریزی شهری را در پی داشته است. این دوران که به دوران کثرت پارادایم‌ها مشهور است، به شکل‌گیری مدل‌های مختلفی^۱ برای تبیین شیوه‌های برنامه‌ریزی منجر شده است. یکی از مشهودترین مدل‌های اندیشه‌ای در این دوران مدل‌های نئولیبرالیسم^۲ می‌باشد. در این تحقیق با تأکید بر شرایطی که این مدل‌های نئولیبرالیسم - سیاسی در عصر حاضر ایجاد کرده است به بازتعریف و بازخوانی مدلی جدید برای توسعه و برنامه‌ریزی مبادرت شده است.

از دهه ۱۹۸۰ میلادی و به دنبال نشر اندیشه‌های نئولیبرالیسم، دنیای شهری در پی افزایش نفوذ بازار بر همه‌ی ارکان زندگی، کنش‌هایی تعریف‌نشده را در همه‌ی عرصه‌های شهری تجربه می‌کند. به‌گونه‌ای که این کنش‌ها، آشفتگی‌ها و اختلالاتی را در ساختار کلی سیستم‌های شهری و فشارهای قابل‌ملاحظه‌ای را بر این ساختار و زیرساخت‌های آن در پی داشته است. پدیده‌ای که بر اساس مفهوم جهانی‌شدن و رویکرد جهانی‌شدن بیشتر می‌یابد و تغییرات اساسی را در نظریه‌ی برنامه‌ریزی به‌منظور حل مسائل جدید ایجاد می‌کند. بر این اساس است که در این دوران دیگر برنامه‌ریزی بر اساس پارادایم عقلانی و انتقادی (نظیر برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی که خود مجموعه‌ای از بحران‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی را در پی داشته)، دیگر کارساز نبوده و لزوم بازاندیشی در نظریه‌های برنامه‌ریزی را در پی داشته است تا از این منظر به کنترل مخاطرات و آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی این مدل‌های اندیشه‌ای و به دنبال آن مدل‌های تکنیکی پرداخته شود. داشتن مدل اندیشه‌ای انعطاف‌پذیر که بتواند در شرایط مختلف میان عناصر و ارکان‌های مختلف سیستم شهری هماهنگی و ارتباط برقرار کند، دیدگاهی است که در این تحقیق بر آن تأکید می‌شود.

تفکر انعطاف‌پذیر را به‌عنوان یک رویکرد و پارادایم جایگزین در غالب برنامه‌ریزی برای انعطاف‌پذیری مطرح می‌کند این تفکر را می‌توان همان مفهومی دانست که دیوید هاروی^۳ تحت عنوان پسامدرنیسم انعطاف‌پذیر در کتاب وضعیت پسامدرنیته^۴ خود از آن یاد می‌کند (شورچه ۱۳۹۳). تفکر انعطاف‌پذیر را به‌مثابه یک تحلیل و رویکردی برای

شناخت که از جریان جهانی شدن تأثیر پذیرفته باشد. این مفهوم دارای ابعاد گوناگونی است و در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی مطرح می‌شود.



شکل (۱). ویژگی‌های جهانی شدن
منبع: (برگرفته از توسلی ۱۳۸۵)

توسلی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان گفتمان‌های غالب در بحث جهانی شدن، آن را مفهومی تعریف می‌کند که تا حدی با مسئله‌ی یکپارچگی جهانی، دهکده‌ی جهانی از یکسو و مقولات مدرنیسم و پست‌مدرنیسم از سوی دیگر در ارتباط است. این مفهوم از نیمه‌ی دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز گردید و در اواخر دهه ۱۹۹۰ کاربرد آن به حداکثر شدت و وسعت خود رسید. وی ضمن بررسی لغتی واژه گلوبال^۵ (واژه خاص) که معادل واژه جهانی می‌باشد و قیاس آن با واژه یونیورسال^۶ (واژه عام) به سه ویژگی تنوع‌پذیری^۷، پیوند برقرار کردن^۸ و ارتباط فی‌مابین^۹ اشاره می‌کند (شکل ۱).

در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن سه احتمال یا فرضیه قابل طرح است: اول، دیدگاهی که جهانی شدن را پدیده‌های تاریخی و دامنه‌دار تلقی نموده و اساساً جدید بودن آن را مورد تردید قرار می‌دهد. دوم، جهانی شدن را با انقلاب صنعتی غرب آغاز می‌کند و گمانه سوم در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن، آن را در چارچوب پست‌مدرنیسم مورد مطالعه قرار می‌دهند. در دوران پست‌مدرن نظریه‌های مختلفی توسط دین پژوهان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، عالمان سیاسی، پژوهشگران روابط بین‌الملل، اقتصاددانان، جغرافیدانان و فرهنگ‌پژوهان در باب جهانی شدن مطرح شد؛ بنابراین ادبیاتی پر حجم، گسترده و گوناگون شکل گرفت (گل محمدی ۱۳۸۶). در این دوران مفاهیم جدیدی از جمله روایت‌های بومی و محلی، جنبش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی در برخورد با آسیب‌ها و شرایط نامناسب زیست‌گاه‌های انسانی رخ می‌دهد.

جهانی بررسی و اجزای آن برای تطابق با دو مفهوم پارادایم انعطاف‌پذیری و رقابت شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گام سوم، بازتعریف مفهوم و مدل‌سازی (تطبیق مفهوم برای عصر حاضر)

در این گام که می‌توان آن را به‌عنوان جمع‌بندی نگارش حاضر دانست، مؤلفه‌های گفتمان توسعه پایدار در یک رویکرد استنباطی، برای شرایط و وضعیت معاصر با تأکید بر مفاهیم و اصول انعطاف‌پذیری و رقابت‌پذیری تبیین می‌گردد. در این گام با یک روش مقایسه‌ای این دو مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرند و میزان سازگاری و تطابق بین این دو مفهوم (انعطاف و رقابت) و اصول و مفاهیم کلیدی و مؤثر این دو مفهوم برای بازتعریف و بازخوانی گفتمان توسعه پایدار استخراج و استنباط می‌شوند.

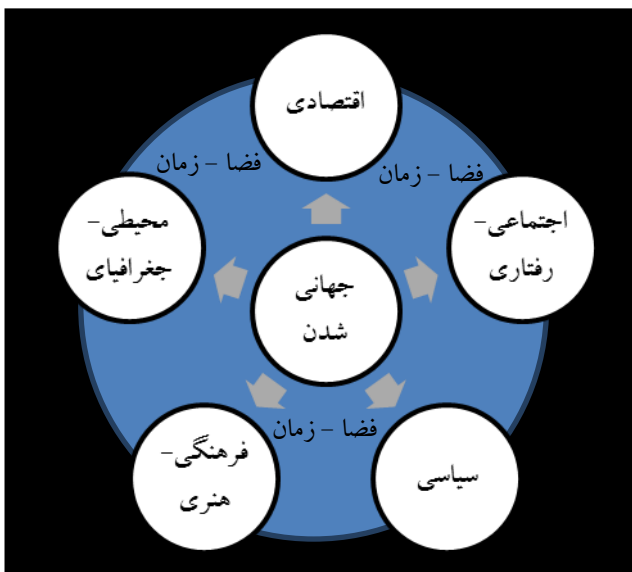
گام آغازین: تبیین وضعیت، چشم‌انداز شهر در دوران پسامدرن (با تأکید بر آغاز قرن ۲۱)

دنیای شهری که بستر زندگی فردی و اجتماعی روزمره‌ی افراد می‌باشد، ظرفی از تحولات فضایی و زمانی است که چگونگی تغییر آن، نقش مؤثری بر منطق تغییرات سیستم‌ها و فرآیندهای شهری در اختیار نظریه‌پردازان قرار می‌دهد. تبیین مسائل جدید دنیای شهری (هم در حیطه‌ی نیرومحرکه‌های شهری و هم تغییر سیستم‌های شهری) از منظر تغییر مفهوم زمان و فضا (تحت تأثیر چرخه‌های جهانی) می‌تواند چشم‌انداز شفافی را از وضعیت و تصویر شهر در دوران پسامدرنیته ایجاد کند. یکی از نظریه‌پردازانی که وضعیت پسامدرنیته را در این حوزه تبیین می‌کند، دیوید هاروی می‌باشد. وی ضمن مطالعه‌ی شرایط پست‌مدرنیسم، از زندگی فکری و فرهنگی یاد می‌کند که پس از سال ۱۹۷۲ برای توازن دگرگونی‌های سیاسی - اقتصادی رخ می‌دهد. وی از این دوران با ویژگی فشردگی زمان - فضا یاد می‌کند و به دنبال تبیینی از دنیای شهری به‌منظور تفسیر پیوندهایی فضایی - زمانی میان سیستم‌ها و فرآیندهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی با تأکید بر این مفهوم می‌باشد. در دیدگاه دیوید هاروی، فشردگی زمان - فضا را می‌توان هم‌تراز با مفهوم جهانی شدن دانست. ویژگی‌ای که با مفهوم پسامدرن همواره همراه بوده است. از این رو در ادامه مفهوم جهانی شدن به‌عنوان ویژگی اصلی دوران پسامدرن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جهانی شدن

جهانی شدن از مفاهیمی است که بر دیدگاه‌های کلان‌اندیشه‌ای در دوران معاصر حاکم می‌باشد. به گونه‌ای که هیچ‌یک از ساختارها و ارکان زندگی بشری را نمی‌توان

دیوید هلد و همکاران در مطالعات خود با عنوان «دگرگونی جهانی: اقتصاد سیاسی و فرهنگ»^{۱۱} ویژگی‌های جهانی‌شدن در دوران امروزی [پسامدرن] را در عرصه‌های: مکانی-زمانی، سازمانی، قابلیت انعکاس، مبارزه، منطقه‌سازی، غربی‌سازی، قلمرو محوری، شکل حکومت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند (عبداللهی و جوان ۱۳۸۹). دیوید هاروی نیز در مطالعات خود با عنوان وضعیت پسامدرنیته، به ویژگی غالب این دوران و مفهوم زمان و فضا تأکید می‌کند. در دیدگاه وی پست‌مدرن مفاهیم متعارف پیرامون زمان و فضا را به چالش می‌کشد و جهانی‌شدن با تعاریف جدیدی از جمله فشردگی فضا- زمان تجلی می‌یابد (شکل (۳))^{۱۲}.



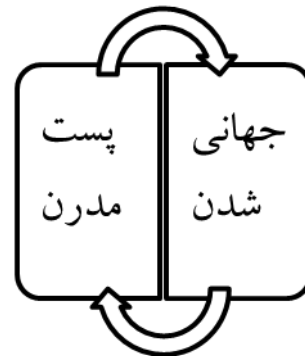
شکل (۳). ابعاد جهانی‌شدن
منبع: (نگارندگان)

فشردگی فضا- زمان تعبیری از آغاز جهانی‌شدن

بنابر آنچه بررسی گردید، جهانی‌شدن به‌عنوان پدیده‌ای است که در عرصه‌ها و ساختارهای گوناگون بروز عینی می‌یابد. یکی از مهم‌ترین این ساختارها، ساختارهای زمان- فضا می‌باشد که ظرف فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع را شکل می‌دهد. با توجه به نقش کلیدی فضا و زمان در دوران پسامدرن و مفهوم جهانی‌شدن، در این بخش با تأکید بر آرای دیوید هاروی به بررسی رویکرد به فضا و زمان در دوران‌های مختلف و سرانجام ویژگی‌های آن در دوران جهانی‌شدن پرداخته می‌شود.

در دیدگاه هاروی زمان و فضا مقولات پایه‌ای هستی انسان هستند که در بستر اجتماعی- فرهنگی، هم‌پوشانی پیچیده‌ای با واکنش‌ها و تحولات و سیستم‌های

نظریه‌پردازان مختلف پدیده جهانی‌شدن را از منظرهای مختلفی بررسی، تحلیل و تعریف نموده‌اند. به گونه‌ای که می‌توان مطالعات در زمینه پدیده جهانی‌شدن را در یک دسته‌بندی کلی به مطالعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی- هنری، محیطی- جغرافیایی و فضایی- زمانی تقسیم نمود. در ادامه به برخی از اندیشمندانی که به بعد محیطی (فضایی- زمانی) پدیده جهانی‌شدن اشاره کرده‌اند، پرداخته می‌شود.^{۱۳}



شکل (۲). نوع نگاه به پدیده جهانی‌شدن
منبع: (نگارندگان)

رابرتسون (۱۳۸۰) جهانی‌شدن را درهم‌فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی‌ها نسبت به جهان به‌عنوان یک کل تعریف می‌کند.

والترز (۱۳۷۹) نیز جهانی‌شدن را فرآیندی اجتماعی تعریف می‌کند که در آن قیدوبندهای جغرافیایی [فضایی] که بر روابط اجتماعی حاکم است از بین می‌رود. آنتونی گیدنز در بحث پیرامون جهانی‌شدن، بیشتر این مقوله را به معنای تشدید روابط اجتماعی جهانی و یکپارچگی جهانی می‌داند. در دیدگاه وی جهانی‌شدن یک تجربه‌ی جدید تاریخی، انسانی و حتی حاوی تغییرات انقلابی است. در دیدگاه وی این پدیده از حدود مرز اقتصادی فراتر رفته و به فضاهای سیاسی، تکنولوژیک، علمی و فرهنگی وارد می‌شود. وی به تأثیر اختراعات و تکنولوژی در زمینه ارتباطات اشاره می‌کند. در دیدگاه ویرال در جوامع ماقبل مدرن، زمان همیشه در پیوند با مکان بود و اندازه‌گیری زمان دقیق نبود ولی در دروان مدرن زمان معیار پیدا می‌کند و پیوند نزدیک میان زمان و مکان گسیخته می‌شود (خانمحمدی ۱۳۸۶). بر این اساس درک فضا دیگر لزومی بر حضور در مکان را نداشت و برقراری ارتباط با مکان و انسان‌ها از فاصله‌ای دور امکان‌پذیر می‌شود. به بیانی دیگر در دیدگاه آنتونی گیدنز، جهانی‌شدن موجب پیوند مکان‌های دور از هم و تأثیرگذار بر حوادث و رویدادهای سراسر جهان بر یکدیگر می‌داند (لشگری تفرشی ۱۳۹۳).

تجارب جمعی در غالب جنبش‌ها و اعتراضات) فراتر از مرزهای محلی، پیشرفت تکنولوژی، شکل‌گیری ایده‌های بین‌المللی و جهان‌گرایی. به گونه‌ای که در این دوران دیگر رویدادها در یک مکان محدود نمی‌شدند و در سراسر جهان گسترش می‌یافتند. در دوران پست‌مدرن، انقباض و کوچک شدن فضا در تمامی ابعاد زندگی بشر اتفاق می‌افتد. شدیدترین دوره فشردگی زمان-فضا نیز در دو دهه اخیر بوده است. در این دوره پیشرفت‌های حیرت‌آور در عرصه فناوری‌های ارتباط، زمان و فضا را بسیار فشرده کرده و به آرمان دهکده‌ی جهانی واقیت بخشیده است. در این دوران یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها متغیر بودن و سیال بودن تجربه‌ی انسان از فضا و زمان است و این همان چیزی است که هاروی از آن به جهانی شدن تعبیر می‌کند. در این دوران ارتباط بدون مرز به مهم‌ترین اشکال ارتباطی بدل می‌گردد.

ظهور مفهوم پسامدرنیته انعطاف‌پذیر و جهانی شدن انعطاف‌پذیر

همان‌گونه که بررسی شد، وضعیت دنیای شهری با تأکید بر آرای دیوید هاروی در مفهوم فشردگی زمان و فضا بازتعریف و از منظر آن تجلی فرآیند جهانی شدن شکل می‌گیرد و این به معنای پذیرش نطفه جهانی شدن با آغاز فرآیند فشردگی زمان-فضا است. فرآیندی که محصول برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان است و در دو دهه اخیر (آغاز قرن ۲۱) شدیدترین وضعیت فشردگی خود را در پی فشارها و تحولات دانشی، اطلاعاتی و تکنولوژی تجربه می‌کند. از این منظر می‌توان گفت که کیفیات عینی زمان و فضا در دنیای شهری آغاز قرن ۲۱، ناشی از یک تقابل و حرکت رفت و برگشتی پویا میان دو مفهوم مدرنیسم به پست‌مدرنیسم می‌باشد. حرکتی میان مفاهیمی نظیر مفهوم مرکز‌گرایی به مرکز زدایی؛ مفهوم ساختار‌گرایی به ساختار‌شکنی؛ مفهوم ساختار سلسله‌مراتبی (طبقاتی) به ساختار آنارشیسمی؛ مفهوم تولید به بازتولید؛ مفهوم اخلاقیات به زیبایی‌شناسی؛ مفهوم معناشناسی به علم بیان، مفهوم جهان‌شمولی به محلی‌گرایی؛ مفهوم روایتی به نمایشی؛ مفهوم مقررات و قانونمندی به مقررات زدایی؛ مفهوم نوسازی شهری به تجدید حیات شهری؛ مفهوم فضا به مکان؛ مفهوم صنعتی شدن به صنعت زدایی؛ مفهوم زمان به فضا؛ مفهوم تداوم به ناپایداری و زودگذری؛ مفهوم همگنی (یکپارچگی) به تنوع (کثرت‌گرایی)؛ مفهوم عقلانیت انسانی به عقلانیت ارتباطی؛ مفهوم اقتصاد سیاسی به جغرافیای سیاسی؛ مفهوم ماشینی به الکترونیکی؛ مفهوم ایستایی به سیالیت؛ و نظایر آن (هاروی ۱۳۹۳)۴.

سیاسی-نهادی، اقتصادی-بازار و سیستم محیطی-کالبدی دارد. زمان و فضا دائماً در این بستر باز ساخت می‌شوند و به‌عنوان منبعی برای سلطه قدرت اجتماعی به حساب می‌آیند^{۱۳}. در دیدگاه وی وضعیت کنونی با فشردگی فراگیر جهان‌های فضایی و زمانی بازتعریف می‌شود. از نظر وی مفهوم فشردگی زمان و مکان اشاره به فرآیندهایی دارد که کیفیات عینی زمان و فضا را دگرگون می‌سازد. در دوران اخیر می‌توان مصادیقی را در مفاهیم فشردگی مکان و زمان برشمرد: فشردگی مکان و فضا با مصادیقی از جمله دهکده‌ی جهانی، برقراری ارتباطات راه دور، به‌وسیله نوآوری در حمل‌ونقل، وسایل ارتباط جمعی، پیوندهای اقتصادی از طریق مفاهیم سرمایه‌داری جدید و نظیر آن و فشردگی زمان با تجلی مفهوم جهان اسکیزوفرنیک و هولوگرافیک و مانند آن.

هاروی در کتاب وضعیت پست‌مدرنیته (۱۳۹۳) بیان می‌کند که فشردگی باید در پیوند با وضعیت پیشین امور درک شود. از این روی به بررسی تمایزات مفهوم زمان و مکان در هر دوره تاریخی و بررسی تغییرات این دو مفهوم در دوران سنتی و مدرن و چگونگی آن در عصر حاضر می‌پردازد. وی در بررسی‌های خود به چهار دوره سنتی، پیشامدرن و مدرن و پسامدرن اشاره می‌کند. فضا و زمان در زندگی سنتی، فضا و زمان مطلق و محدود می‌باشد. در این دوران هرگونه فعالیت و کنش اجتماعی در چارچوب چنین فضا و زمان محدود و معینی سازمان می‌یافت، بنابراین گستره روابط اجتماعی بسیار محدود بود. در چنین شرایطی هر واحد اجتماعی نسبتاً کوچک، جهانی مستقل و تقریباً بی‌ارتباط با محیط یا جهان‌های اطراف خود بود. دیدگاه رایج به فضا و زمان در دوران پیشامدرن با برهم خوردن تصور سنتی و مطلق به این دو مقوله همراه است. در این دوران مفهوم زمان طولی و خطی و فضای واحد در جهان مطرح می‌شود. مهم‌ترین ویژگی زمان و فضا در این دوران عمومیت آن است. هاروی آغاز فرآیندی را با عنوان فشردگی زمان-فضا از این دوره می‌داند که در جریان آن زمان می‌تواند به گونه‌ای سازمان یابد که محدودیت‌های فضا را کاهش یا افزایش دهد. در واقع فشردگی زمان-فضا کاهش زمان و کوچک شدن فضا است. در این دوران زمان و مکان به‌صورت زمان و مکان متحدالشکل و نیوتنی است که ناشی از برداشت خطی و یکنواخت از مفهوم زمان و مکان می‌باشد. در دوران مدرن، برداشت خطی روبه‌زوال می‌رود. برخی ویژگی‌های این دوران که منجر به شکستن مرز زمانی و مکانی می‌شود، عبارت‌اند از: جنبش‌های اقتصادی و رخداد بحران سرمایه‌داری، توجه به ادراک و تجربه‌ی انسانی (تجارب فردی، در قالب محصولات هنری و

به‌گونه‌ای که مجموعه‌ی این تحولات دنیای شهری را به یک باز ساخت بنیادی در همه‌ی عرصه‌ها به‌منظور امکان رقابت‌پذیری و یکپارچگی در سطح جهانی واداشته است. تحولاتی که خاستگاه خود را در تغییرات چرخه‌های جهانی دانش (تخصص‌گرایی)، تکنولوژی (تغییرات فناوری و کارآفرین‌گرایی) و اطلاعات (آگاهی) جستجو می‌کند (شکل (۴)).

شکل (۵) تنها یک فرآیند خطی را از تأثیرگذاری سه رکن دانش، تکنولوژی و اطلاعات بر تغییر نیرومحرکه‌ها و به تبع آن سیستم‌های شهری نشان می‌دهد، اما در عمل آنچه رخ می‌دهد در نقطه آغازین خود بر سیستم سیاسی و مدیریتی یک جامعه است که به دنبال آن تغییر در سیستم اقتصادی و سپس سیستم فضایی و در نهایت سیستم اجتماعی را در پی دارد.

این فرآیند به دلیل رخداد پدیده‌ای با عنوان «رقابت شهری» است که به‌عنوان یکی مفاهیم برخاسته از جهانی‌شدن در ادبیات شهری وارد شده است. در آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی به دنبال دوره باز ساخت زیرساخت‌های اقتصادی، مناطق شهری نیز تحت تأثیر سنت نئولیبرالیسم دچار تغییرات بنیادی در همه‌ی عرصه‌ها می‌شود.

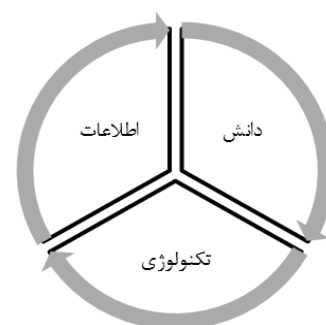
در این دوران حکومت‌های محلی برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی رقابت‌پذیری را به‌عنوان یک ابزار جدید در اولویت‌های سیاسی خود قرار می‌دهند. رقابت شهری، شکل جدیدی از حکمروایی و به دنبال آن شکل جدیدی از بازار و مداخلات فضایی در را به دنبال داشته است (شورچه ۱۳۹۳).

این شکل جدید حکمروایی برخاسته از تقاضای فضا (اقتصاد فضا) و لزوم انباشت سرمایه منجر به شکل‌گیری نواحی پراکنده شهری شده است. به‌گونه‌ای که ساختارهای شهری در راستای تمرکززدایی شکل می‌گیرد. چنین رویکردی منجر به فشارهای مؤثری بر اکوسیستم شهری در قالب‌های آلودگی‌های زیست‌محیطی، تخریب محیط‌زیست و مصرف فضاها، سبز و طبیعی در پی ساخت‌وسازهای گسترده شده است. به‌منظور کاهش آلودگی‌های زیستی، مدیریت شهری، در تقابل با چنین گسترشی بر لزوم کنترل رشد و توسعه شهری تأکید نمود. به‌گونه‌ای که به‌طور رسمی مدیریت رشد شهرها به‌عنوان یگانه راه رسیدن به توسعه و رشد شهری پایدار در آغاز قرن ۲۱ مطرح شده است. در پیش گرفتن سیاست‌های شهری کنترل رشد پراکنده و شهر فشرده در قالب استراتژی‌های توسعه میان‌افزا و بهره‌گیری از زمین‌های قهوه‌ای^{۱۵} و جلوگیری از توسعه در زمین‌های سبز^{۱۶} نمونه‌هایی از این دست می‌باشد. بر اساس آنچه بیان شد، مداخلات فضایی در دو دهه اخیر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ را می‌توان به دو شکل پراکندگی (تولید) و فشرده‌گی (باز تولید) نواحی شهری دسته‌بندی نمود (شکل (۶)).

بروز کیفیات عینی فشرده‌گی زمان و فضا و نمود آن در دنیای شهری از زمانی به زمان دیگر از مکانی به مکان دیگر با توجه به سودآوری هر کدام از این مفاهیم متفاوت بوده است. به این معنا که شهر و مناطق شهری بسته به میزان کاربست و سودآوری هر کدام از این مفاهیم اقدام به تحقق آن در هر یک از سیستم‌ها و ساختارها و زیرساخت‌های خویش نموده‌اند. از این سیستم‌های شهری در موضعی دوگانه و سیال بین مفاهیم متضاد در عصر جهانی‌شدن، فشرده‌گی زمان و فضا را تجربه می‌کند و انتخاب مفاهیم در هر حوزه بسته به میزان کارایی آن مفهوم و ویژگی‌های جغرافیایی - تاریخی آن شهر و منطقه را دارد. شرایطی که دیوید هاروی از آن تحت عنوان پسامدرنیته انعطاف‌پذیر یاد می‌کند. شرایطی که ما را به مفهوم جهانی‌شدن انعطاف‌پذیر و یا سیال سوق می‌دهد. جهانی‌شدنی که به‌منظور دستیابی به حداکثر کارایی، متناسب با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی از بین مفاهیم متضاد رویکردی سیال را برمی‌گزیند.

عملکرد سیستم‌های شهری در عصر جهانی‌شدن

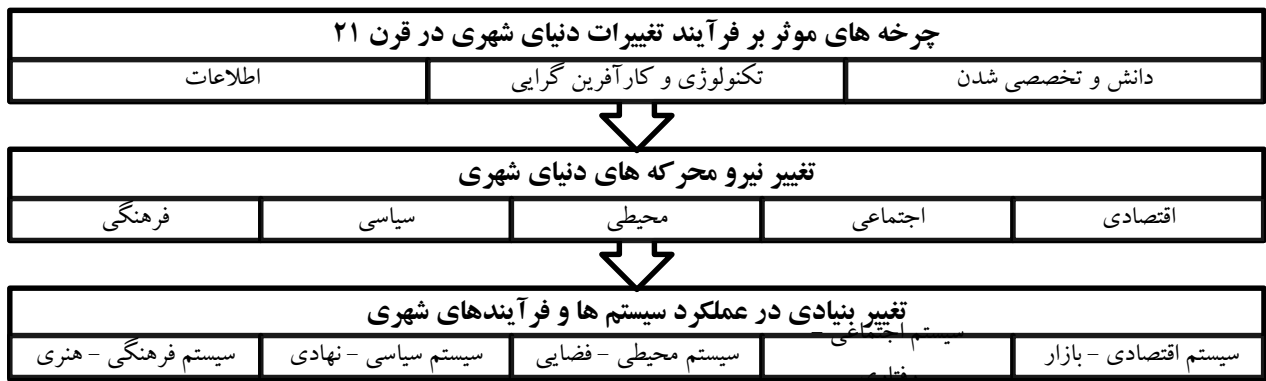
همان‌گونه که بررسی شد، با آغاز قرن ۲۱ میلادی شهرها و مناطق شهری دستخوش تحولات قابل توجهی تحت تأثیر تقابل اندیشه‌های مدرن و پسامدرنیته (به‌ویژه نئولیبرالیسم) بوده است. این تقابل در بستر سه‌چرخه‌ی جهانی‌شدن، تکنولوژی و اطلاعات، اشکال مختلفی از تحولات و تغییرات را در نیرومحرکه‌های دنیای شهری برای دستیابی به پدیده جهانی‌شدن انعطاف‌پذیر را در پی داشته است و به دنبال تغییر در این مفهوم به تغییرات ساختاری خاصی انجامیده است.



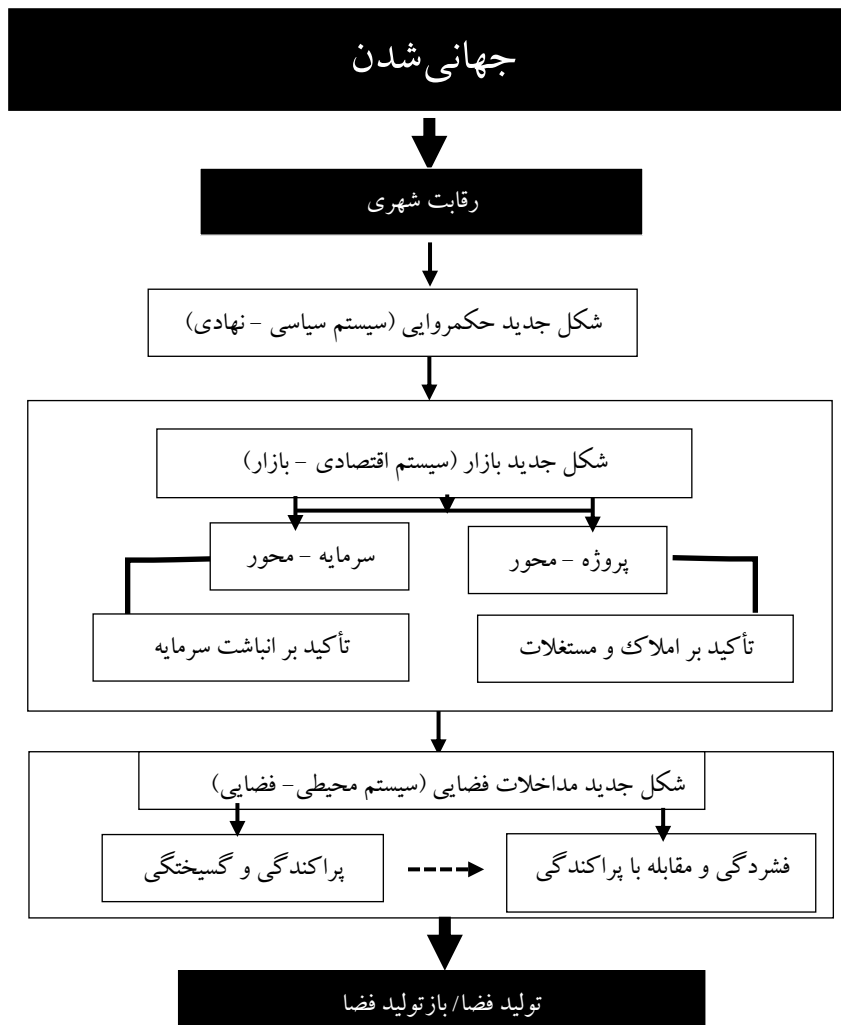
شکل (۴). چرخه‌های جهانی‌شدن

منبع: (نگارندگان)

تحولاتی که منجر به تحولات بنیادی در سیستم‌ها و فرآیندهای شهری شامل سیستم محیطی - جغرافیایی (انسان‌ساخت و طبیعی)، سیستم اجتماعی - رفتاری (سبک زندگی و تمایلات و انگیزه‌ها)، سیستم اقتصادی - بازار (شیوه‌ها و کالاهای تولید و مصرف) و سیستم سیاسی - نهادی (حکمروایی و نهادگرایی دانش)، سیستم فرهنگی - هنری (صنایع هنری و کالاهای فرهنگی) شده است.



شکل (۵). فرآیند تغییر در سیستم های شهری در راستای تحقق جهانی شدن انعطاف پذیر
منبع: نگارندگان)



شکل (۶). فرآیند تغییرات سیستم های شهری از سیاسی تا فضایی
منبع: نگارندگان)

نیروهای مؤثر بر فرآیند تغییرات سیستم فضایی در عصر جهانی‌شدن

با توجه به حاکمیت سیستم سیاسی (در قالب حکمروایی) و اعمال آن بر توسعه اقتصادی (سرمایه‌داری جدید) و در ادامه توسعه شهری متناسب با آن از یکسو و ویژگی‌های تفکر جهانی‌شدن انعطاف‌پذیر می‌توان نیروهای مؤثر بر تغییرات سیستم فضایی در عصر جهانی‌شدن به دودسته نیروهای درونی (محلی) و نیروهای بیرونی (جهانی) تقسیم نمود.

نیروهای بیرونی (جهانی): این دنیرو بیشتر تحت تأثیر جریان‌ات جهانی در دو شکل نیروی تمرکززدایی (پراکندگی) و نیروی تمرکزگرایی (فشرده‌گی) بر سیستم‌های شهری تجلی می‌یابند.

نیروهای درونی (محلی): این نیروها برخاسته از ویژگی محلی سیستم‌های شهری و پذیرش شهر به‌عنوان سیستم در دو شکل پیچیدگی و همبستگی می‌باشد.

دو نیروی پراکندگی و فشرده‌گی در قسمت پیشین تعریف شدند. نیروی پیچیدگی و همبستگی معطوف به پذیرش سیستم‌های شهری به‌عنوان یک کلیت پیچیده است که پویایی آن در گروی عملکرد مناسب و کارای هر یک از زیرسیستم‌های آن و رابطه‌ی تعریف‌شده میان این ابعاد و مؤلفه‌های سیستمی می‌باشد. به‌گونه‌ای که هر چه روابط درونی وابستگی درونی این مؤلفه‌ها و زیرسیستم‌های شهری بیشتر باشد، کلیت سیستم یکپارچه‌تر و آن سیستم در مقابل تغییرات نوآورانه‌تر و خلاقانه‌تر عمل می‌کند.

این ۴ نیرو برای دستیابی به یک کلیت یکپارچه و خلاق نیاز به یک بستر انعطاف‌پذیر دارد که توسط دیدگاه انعطاف‌پذیری حاکم بر پسامدرنیته تحقق می‌یابد. به این گونه که بسته به بستر جغرافیای-تاریخی و نیازهای بیرونی سیستم، میزان اثرپذیری و اثرگذاری هر نیرو تعیین می‌شود، اما در کل میان این نیروها همواره تعادل و سازگاری وجود دارد. به‌گونه‌ای که شهری را می‌توان به‌عنوان شهر طراز جهانی (چه سطح جهانی، چه منطقه‌ای و چه محلی) نامید که در تعادل و سازگاری کامل این چهار نیرو باشد. تعادل و سازگاری که از کنش متقابل این ۴ نیرو ناشی می‌شود؛ زیرا جهان امروز را راه‌گزینی از کنش متقابل نیست و هدف تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری باید در راستای کاهش تنش میان این مفاهیم به‌منظور تحقق شهر در هماهنگی با شبکه‌ای از شهرهای جهانی است.

نظریه‌ی جهانی‌شدن انعطاف‌پذیر شهری

همان‌گونه که بررسی شد، سیستم‌های شهری توان تجلی در شبکه جهانی را دارند که در سازگاری و هماهنگی میان نیروهای جهانی‌شدن (پراکندگی/فشرده‌گی) و نیروهای

محلی‌شدن (پیچیدگی/همبستگی) باز تعریف شوند. این باز تعریف و باز ساخت شهری را می‌توان تحت عنوان باز تعریف سیستم‌های انعطاف‌پذیر شهری مورد بررسی قرارداد.

مرور پیشینه‌ی مطالعات شهری نشان می‌دهد که بیشتر الگوها و سیستم‌های پیشنهادی با تأکید بر دنیروی تمرکزگرایی و تمرکززدایی (پراکندگی/فشرده‌گی) می‌باشد. الگوهای نظیر شهر فشرده که به شکلی تنگاتنگ بر موضوع کاربری زمین (موضوع مرتبط با نیروی پراکندگی و فشرده‌گی) در ارتباط هستند؛ اما آنچه حائز اهمیت است تمرکز بر هر ۴ رکن اساسی به‌منظور تجلی رویکردی پایدار و انعطاف‌پذیر در عرصه‌ی تعامل میان نیروهای محرک دنیای شهری دانست که در بستر نظریه‌ی پیچیدگی، نظریه‌ی همبستگی، نظریه‌ی فشرده‌گی و نظریه‌ی تمرکززدایی متمرکز به شهرها به‌مثابه یک سیستم انطباق‌پذیر (سیستم انطباقی) می‌نگرد. آنچه تحت عنوان نظریه‌ی انعطاف‌پذیری شهری رویکردی خوش‌بینانه نسبت به کارکردهای سیستم دارد و نگرشی جدید را در زمینه تحلیل ساختارهای شهری با ویژگی آشوب ارائه می‌دهد.

مؤلفه‌ها: مونته‌نگرو به نقل از شورچه (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری در عصر جهانی‌شدن را برابری و همبستگی میان ابعاد اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به منابع معرفی می‌کند. دیوید هاروی (۱۳۹۳) نیز جهانی‌شدن را در تعبیر فشرده‌گی زمان و فضا در عصر پسامدرنیسم انعطاف‌پذیر و تحت تأثیر نظریه‌ی اقتصاد سیاسی فضا، تعاملی از سرمایه‌داری جدید و تحولات اقتصادی و به دنبال آن تغییرات فضایی تبیین می‌کند. از این رو در یک جمع‌بندی می‌توان مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شهری را سه مؤلفه اقتصادی، اجتماعی و فضایی تبیین نمود.

ویژگی‌ها: سیستم‌های شهری انعطاف‌پذیر به‌عنوان سیستم‌هایی که روند رادیکالی را با پذیرش وضعیت کنونی و پویایی شهری در پی می‌گیرند، دارای ویژگی‌های انطباق‌پذیری (سازگاری)، خودسامانی (قابلیت تحول) و ویژگی‌های در ارتباط با شرایط وضعیت-ثبات هستند (شورچه ۱۳۹۳). در این بین ویژگی ظرفیت انطباقی به‌عنوان هسته‌ی کانونی این نظریه نقش اساسی در برقراری ارتباط میان نیروهای محرکه سیستم شهری (اجتماعی/اقتصادی/محیطی/سیاسی) ایفا می‌کند. گفته‌ی والکر (۲۰۱۰) در این زمینه جمع‌بندی مناسبی را از ویژگی‌های سیستم انعطاف‌پذیر در اختیار قرار می‌دهد. وی معتقد است که یک سیستم انعطاف‌پذیر دارای دو ویژگی زیر است:

- توانایی در حفظ و کنترل تغییرات و آشوب‌های ناشی از تحولات جهانی‌شدن (نیروهای بیرونی)؛

ملل (UN)، صندوق حیات وحش و اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از منابع طبیعی با تأکید بر سه فاکتور اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در راستای دستیابی به استراتژی حفاظت جهان در سال ۱۹۸۰ میلادی و گزارش کمیون جهانی توسعه و محیط‌زیست، تحت عنوان «آینده‌ی مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان گزارشی در سطح بین‌المللی با ایجاد هماهنگی و تعادل و توازن میان فاکتورهای سه‌گانه زمین (حفظ تمامیت محیط‌زیست در مقابل تفکیک آن)، انسان (عدالت اجتماعی) و رفاه (سرزندگی و شکوفایی اقتصادی) نمونه‌هایی از تلاش‌های این دوران می‌باشد. تعریف براتلند مبنی بر «توسعه‌ای که نیازهای نسل امروز را بدون محدود کردن امکانات نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان پاسخگو باشد» نقطه عطفی در این زمینه است که پایداری را در موضعی مبهم قرار می‌دهد. تعریفی که سه موضع توسعه، نیاز و سازش را در تقابل باهم قرار می‌دهد. در چنین دورانی مفهوم توسعه پایدار، هم از منظر بنیادی (مبانی) هم از منظر راهبردی (راهکارها) و هم از منظر حوزه و مقیاس دارای ویژگی زیر است:

- **تناقض:** تضاد در مفاهیم اصلی این تعریف میان سه رکن، توسعه، نیاز و سازش خود را نشان می‌دهد.

- **مفهومی فازی:** این مفهومی تحت تأثیر منطق فازی دارای ویژگی غیردقیق، ناواضح و مبهم (شناور) می‌باشد. به این معنا که این مفهوم با این تعبیر که همه‌چیز برای همه باعث شده است که گستره آن هیچ ارتباطی با جهان واقعی نداشته باشد و از این منظر در عرصه‌ی توسعه سیاسی ناکارآمد باشد.

- **ابزار توسعه صنعتی:** این مفهوم با رویکرد خویش ابزاری برای ادامه مشروعیت استراتژی‌های جهانی برای توسعه می‌باشد که موجب تسلط توسعه سرمایه‌داری صنعتی در کشورهای توسعه‌یافته خواهد شد.

دوران تثبیت (دو دهه پایانی قرن ۲۰): این دوران را می‌توان با دروان انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی بر برنامه‌ریزی متمرکز هم‌زمان دانست. دورانی که تجلی بسط مفهوم توسعه پایدار به‌عنوان یک پارادایم در اندیشه و تفکر بشری نه‌فقط به‌عنوان یک موضوع علمی و آکادمیک (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی) بلکه به‌عنوان یک تغییر بنیادی در نحوه عمل با مسائل جهانی (روش‌شناسی) است. در این دوران تلاش برای برقراری هماهنگی میان روابط وابستگی‌های متقابل بین فضای فیزیکی - کالبدی، فضای اجتماعی - اقتصادی و فضای روانی و ذهنی در عرصه‌ی جهانی مطرح می‌شود. دهه ۱۹۹۰ میلادی را می‌توان تلاش جامعه جهانی برای تثبیت اندیشه توسعه پایدار دانست که در ابتدا با تأکید بر مؤلفه‌های

- توانایی در حفظ و کنترل کارکردها و ساختارهای پایه و محلی (نیروهای محلی و درونی).

گام دوم، تبیین مفهوم گفتمان توسعه پایدار

پامدها و خطرات تولید صنعتی پیشرفته به‌ویژه پدیده‌های دردآور زیست‌محیطی در عرصه‌ی جهانی از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، جامعه معاصر شهری را به چالش می‌کشد. در تمام جوامع معاصر جهان، تغییری بنیادی رخ می‌دهد که از یکسو مدرنیته مبتنی بر روشنگری را با چالش مواجه می‌کند و از سوی دیگر عرصه‌ای را می‌گشاید تا افراد اشکال سیاسی - اجتماعی نوین و نامنتظره‌ای را برگزینند. در چنین جوامعی که به گفته‌ی اولریش بک «جامعه در مخاطره جهانی» نامیده می‌شود، جوامع غیر غربی با جوامع غربی نه تنها در زمان و فضای یکسان بلکه در چالش‌های بنیادی یکسانی از خاستگاه مدرنیته شریک هستند. به تعبیر *Beck(2006)* این یکسان بودگی نقش مهمی را در بازنگری توسعه رو به رشد جوامع ایفا می‌کند. به اعتقاد وی خطرات جوامع (مخاطرات) به‌عنوان یک رژیم کارکردی از یک نظم جدید است که نه تنها در مقیاس ملی بلکه در مقیاس جهانی به فرآیند تأثیرگذار تصمیم و توسعه بدل می‌گردد. این فرآیند تصمیم و توسعه بر پایه جهانیته مسائل و مخاطرات و در قالب ائتلاف‌های فراملی برای حل این مخاطرات در حوزه عمومی داعیه‌دار موضوعات مربوط به یک دستور کار زیست‌محیطی جهانی هستند. این ائتلاف‌ها به‌طور رسمی از دهه ۷۰ میلادی و با عنوان توسعه پایدار آغاز و تا امروز با چشم‌اندازی متفاوت به مسائل جهانی ادامه می‌یابد.

سیر تکاملی مفهوم توسعه پایدار

در این بخش با بررسی سیر تکاملی توسعه پایدار به بررسی سیر بازخوانی این گفتمان به‌عنوان یک رویکرد انعطاف‌پذیر در عرصه‌ی جهانی پرداخته می‌شود. با بررسی تعاریف و تاریخچه‌ی پایداری به معنای عام و توسعه پایدار به معنای خاص، می‌توان سه دوره اصلی را برای پایداری در سیر اندیشه دوران مدرن و پسا‌مدرن برشمرد:

دوران ابهام (دهه ۶۰-۷۰ میلادی): این دوران مربوط به دورانی است که پایداری برای تبیین خود اولین تلاش‌ها را به‌ویژه در عرصه‌ی زیست‌محیطی انجام می‌دهد. این دوران به‌طور غیررسمی با اعتراضات مرکز مشاوره‌ی جهانی کلیساها^{۱۷} در واکنش به آسیب‌های زیست‌محیطی آغاز و به‌طور رسمی از طریق کنفرانس بین‌المللی محیط‌زیست انسانی در استکهلم در سال ۱۹۷۲ میلادی وارد ادبیات جهانی می‌گردد. تلاش‌های محیط‌زیست توسط سازمان

(نو محافظه‌کاری^{۲۳}) که برگرفته از رویکرد رادیکالی نظریه‌ی انعطاف‌پذیری است، متمرکز می‌شود. افزون بر این دو مورد جریان توسعه سیستم‌های شهری برای تطبیق با عصر پسامدرنیته انعطاف‌پذیر رویکردی سیاسی (ارزشی) و دانش‌بنیان (تأکید بر دانش محلی) و فرهنگی را پی می‌گیرد. چنین رویکردی از گفتمان پایداری زمینه‌های خلاقانه و دگرگونی‌های نوآورانه به‌ویژه در عرصه‌ی کارآفرین‌گرایی پدید می‌آورد که در قالب یک الگو ماهیت سیاست‌گذاری دولتی یا حکومتی تحقق می‌یابد. مهم‌ترین ویژگی مفهوم توسعه پایدار در این دوران عبارت است از:

- ماهیت انعطاف‌پذیری

- ماهیت سیستم پیچیده: ماهیت گفتمان توسعه پایداری حاکی از نوعی ساخت‌های ذهنی و عینی است که به برنامه‌ریزان ابزارهایی برای آگاهی از روابط پیچیده و پویایی شهری را فراهم می‌آورد. به گونه‌ای که این نوع ساخت فراتر از مدل‌های رایج سیستم‌ها بوده و عرصه‌های مختلف سیستم‌های اجتماعی و سیاسی را به کار می‌برد. به گونه‌ای که رویکرد پایداری به سوی سیستم‌های پیچیده تغییر جهت پیدا کرده است.

- ماهیت دانش‌بنیان: (به‌ویژه تأکید بر دانش محلی شهروندان) گفتمان پایداری در یک چارچوب در دوران اجتماعات سیاسی و زمینه‌های محلی تحقق می‌یابد. چنین رویکردی را می‌توان تحت عنوان رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی درباره‌ی تولید دانش و یا بر ساخت بودن دانش تعبیر نمود. به این معنا که گفتمان مزبور رویکردی بی‌طرفانه نسبت به شهر ندارد بلکه شناخت شهر بر مبنای دانش قابل دسترس از فرآیندهای اجتماعی-سیاسی جامعه از منظر کنشگران فرآیند شهری خواهد بود. این ماهیت تلاش بر این دارد که به درک اجتماعی ساخت‌گرایانه از چگونگی تولید دانش در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی می‌پردازد و چگونگی تجلی تکنولوژی را تبیین می‌کند (شورچه ۱۳۹۳).

- ماهیت سیاسی (ارزشی)

- ماهیت خلاقانه

نیروها و مؤلفه‌های مؤثر بر گفتمان توسعه پایدار

بررسی سیر تکاملی گفتمان پایداری به‌خوبی نشان می‌دهد که در ادبیات اخیر توسعه پایدار نیرو مؤثر از یک سو نحوه ارتباط و میزان اثرگذاری و اثرپذیری (وابستگی و همبستگی) این نیروهای اندیشه‌ای آن، تغییر بنیادی نموده است. در دوران ابهام، نیرو مؤثر مفهوم پایداری رسماً با تأکید بر مؤلفه زیست‌محیطی، مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی را نیز در برمی‌گرفت. در این دوران نحوه ارتباط نیروهای مؤثر در ساختاری شکل‌گیری که به نحوه ارتباط این عناصر و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیروها

زیست‌محیطی و سپس با کنفرانس سران زمین در ریودژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ میلادی، علاوه بر جنبه زیست‌محیطی به دو بعد اقتصادی و اجتماعی نیز می‌پردازد. این برنامه اجرایی بانام دستور کار ۲۱ - که در واقع دستورالعمل‌نهایی توسعه پایدار است، تأمین سه نیاز ضروری عصر حاضر را حفاظت از محیط‌زیست، غلبه بر فقر و توسعه اقتصادی و نیاز به عدالت اجتماعی و تنوع فرهنگی معرفی می‌کند و دستور کار خویش را در مقیاس محلی تعریف می‌کند. مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم توسعه پایدار در این دوران عبارت است از:

- پذیرش عمومی: در این دوران در ماهیت ناپایدار مسیر فعلی توسعه و توافق جمعی از اثرات نامناسب زیست‌محیطی توافقی جمعی در عرصه‌ی جهانی وجود دارد.

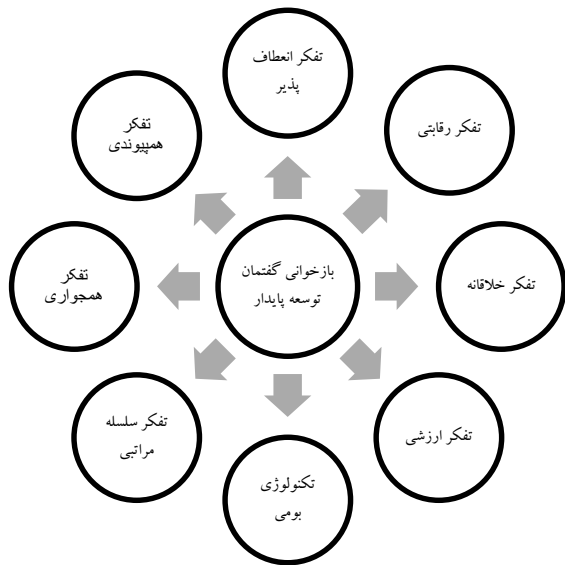
- نقطه کانونی در اندیشه جهانی: برای اولین بار شاید بتوان این مفهوم را به یک نقطه کانونی در اندیشه در جهان معرفی نمود که جریان جهانی را باعث گردید.

- رویکرد سیستمی: در این دوران چنین رویکردی به توسعه پایدار (جهان در مفهوم کل و منطقه‌ی زیستی در مفهوم خاص)، این مفهوم را به یک سیستم همه‌جانبه نظام‌مند، درون‌زا بدل می‌نماید که در آن منافع هیچ بخشی از سیستم بر سایر بخش‌ها و منافع امروز به آینده و منافع انسان به منافع دیگر موجودات زنده برتری و رجحان ندارد.

- رویکرد بین‌رشته‌ای: این مفهوم مبنایی برای تنظیم و هماهنگی علوم مختلف و تجلی مباحث بین‌رشته‌ای به‌منظور تجلی مسائل جدید از جهان واقع را ایجاد می‌کند.

دوران بازخوانی (آغاز قرن ۲۱): این دوران به‌عنوان نقطه عطفی با توجه به اهداف توسعه هزاره تبیین پیدا می‌کند. در این دوران توسعه پایدار با تأکید ویژه بر تعریف و تعیین اصول برنامه‌ریزی و طراحی هم در نواحی انسان‌ساخت، هم نواحی طبیعی و زیستگاه‌های اکولوژیک و فضاها با شهری و هم تأکید بر روابط بین مردم و محیط پیرامونشان وجود دارد (شورچه ۱۳۹۳). در این دوران توسعه پایدار با رویکردی جدید و با تأکید بر مفاهیم اقتصاد سرمایه‌داری جدید در قالب سیستم‌های سیاسی (اقتصاد سیاسی)، سیستم‌های منابع طبیعی (اقتصاد محیط‌زیست^{۱۸} در قالب اقتصاد سبز، مشاغل سبز و ...)، سیستم‌های اجتماعی (اقتصاد اجتماعی^{۱۹})، سیستم‌های فضایی (اقتصاد فضا)، سیستم‌های جغرافیایی جغرافیاسیاست، ژئوپولیتی^{۲۰} و سیستم‌های اطلاعاتی (اقتصاد اطلاع^{۲۱})، سیستم دانشی (اقتصاد دانش‌بنیان^{۲۲}) مطرح می‌شود. در این دوران توسعه سیستم‌های شهری از یکسو در جریان رقابت شهری بر عصر جهانی‌شدن وارد می‌شود و توسعه می‌یابد و از سوی دیگر این توسعه با ویژگی میانه‌روی

در دروان بازخوانی تجلی سیستم‌های پیچیده از یکسو نیروهای جدید (درونی و بیرونی) از سویی دیگر بر ارتقای الگوی ساختار سلسله مراتبی تأکید دارد. به گونه‌ای که جوابگوی نیاز گفتمان توسعه پایدار برای عصر جهانی شدن و فشردگی زمان و مکان باشد. در شکل (۸) مدل پیشنهادی نگارندگان در این زمینه ارائه می‌گردد. ساختار سلسله‌مراتبی که به صورت رفت و برگشتی میان مؤلفه‌های سازنده از اولین سطح (سیاسی) تا محیطی تغییر می‌کند.



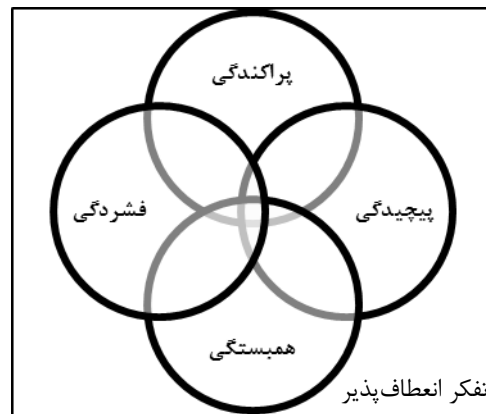
شکل (۸). ویژگی‌های مؤثر تفکر در بازتعریف گفتمان توسعه پایدار
منبع: (نگارندگان)

گام سوم، بازتعریف گفتمان توسعه پایدار در عصر جهانی شدن انعطاف پذیر

پذیرش سیستم‌های شهری و نیروهای مؤثر بر آن‌ها از یکسو و لزوم توجه به ویژگی سیالیت و انعطاف‌پذیری در برخورد با این سیستم در عصر جهانی شدن از سویی دیگر، مدیران و حکمرانان شهری را بر آن می‌دارد تا پیش از به کار بردن هر الگوی سیاست‌گذاری، بر ارکان مؤثر و تأثیرگذار در این زمینه توجه کنند تا از این رهگذر به حداکثر کارایی در سیستم شهری دست یابند. گفتمان توسعه پایدار نیز به عنوان یکی از الگوهای ایدئولوژیک و عملیاتی در نظام مداخلات شهری باید با توجه به زمینه‌های تأثیرگذار مورد بازخوانی قرار گیرد. در این تعریف، تأکید بر بازتولید سیستم و به تبع آن بازتولید فضا می‌باشد. به بیانی دیگر، گفتمان توسعه پایدار برای جهان امروز باید توانایی بازتولید سیستم شهری (در معنای عام) و بازتولید فضا (در معنای خاص: فضای سیاسی، فضای اقتصادی، فضای اجتماعی و فضای کالبدی و محیطی، فضای فرهنگی و فضای

اشاره ندارد. در این ساختار بیشتر تأکید بر چهار مفهوم کلان و مبهم پایداری (اجتماعی-اقتصادی-زیست‌محیطی)، تساوی‌پذیری (اجتماعی-اقتصادی)، تحمل‌پذیری (اجتماعی-زیست‌محیطی) و زیست‌پذیری (محیطی-اقتصادی) در یک رابطه‌ی واگرا با تأکید بر مفهوم سازگاری و برابری می‌باشد. در این نوع ارتباط میزان اثرگذاری و اثرپذیری بین نیروهای اصلی (نیروهای داخلی) و بین نیروهای اصلی و عوامل بیرونی مشخص نمی‌گردد. در این الگو عوامل زمینه‌ای (از جمله عوامل ارزشی، فرهنگی و ...) جایگاه مشخصی ندارند. عام بودن و مجزا بودن نیرومحرکه نقش بسزایی در ابهام و کلی‌گویی در این زمینه داشته است (شکل (۸)).

در دوران تثبیت الگوی سنتی توسعه پایدار مورد بازخوانی قرار می‌گیرد و در این الگو ساختار نحوه ارتباط نیروهای مؤثر و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها در یک ساختار سلسله‌مراتبی شکل می‌گیرد. در این الگو نیروی اقتصادی به عنوان محرک اول در سطح درونی محرک تغییرات لایه‌های بعدی است که منجر به تغییرات اجتماعی و از آن منظر تغییرات زیست‌محیطی می‌شود. در این ساختار محیط‌زیست (هم محیط طبیعی و هم محیط انسان‌ساخت) بستری از تحولات اجتماعی و اقتصادی است که با بررسی نیروهای اقتصادی و اجتماعی قابل‌شناسایی و تبیین می‌باشد. در این الگوی سلسله‌مراتبی و ساختار سیستمی نحوه اثرگذاری و اثرپذیری وابستگی و همبستگی نیروها قابل بازتعریف می‌باشد (شکل (۷)). در این دوران مؤلفه فرهنگ ذیل پارامتر و مؤلفه اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار خود را نشان می‌دهد. این مؤلفه را می‌توان بستری برای تجربیات انسانی دانست.



شکل (۷). نیروهای مؤثر بر فرآیند تغییرات سیستم فضایی
منبع: (نگارندگان)

جغرافیایی) را برای یک سیستم شهری خاص داشته باشد. برای این منظور می‌توان ارکان بازخوانی را در دو سطح بیرون سیستمی و درون سیستمی به شرح ذیل برشمرد:

سطح بیرون سیستمی

- تفکر انعطاف‌پذیر
- تفکر رقابتی (رقابت‌پذیری: لزوم توجه به واگرایی و تمایز در مقیاس جهانی)
- تفکر خلاقانه و هنری
- تفکر کل‌نگرگرانه (هم‌جواری و همگرایی سیستم در ارتباط با دیگر سیستم‌های جهانی)

سطح درون سیستمی

- تفکر ارزشی (دانش ارزشی و آگاهی سیاسی و بومی)
 - تفکر محلی تکنوکرات (تکنولوژی بومی)
 - تفکر سلسله‌مراتبی
 - تفکر جزنگرانه (هم‌پیوندی اجزا با یکدیگر)
- گفتمان توسعه پایدار در این نگاه به‌مثابه ابزاری برای باز ساخت سیستم شهری در کنشی ارزشی با دانش محلی (آگاهی و تکنولوژی بومی) بازتعریف می‌شود. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است توجه به نگاه و تفکر انعطاف‌پذیر است. ویژگی دیگری که این بازخوانی توجه به رقابت‌پذیری سیستم‌های شهری در مقیاس محلی، بین‌المللی می‌باشد. نمونه‌هایی از ایده‌های خلاقانه با رویکرد رقابت شهری. ذیل گفتمان توسعه پایدار در دو دهه اخیر عبارت‌اند از: ایده‌ی پایتخت‌های سبز، مشاغل سبز، ساختارهای سبز و نظایر آن. نمونه‌ای از مداخلات خلاقانه در اصول و روش‌های برنامه‌ریزی توسعه شهری می‌باشد که در ذیل گفتمان توسعه پایدار در دو دهه پیش مطرح شده است.

نتیجه‌گیری

آنچه بررسی شد، در سه گام اصلی به ترسیم نظام اندیشه‌ای نگارندگان و عوامل مؤثر و ضروری بازخوانی گفتمان توسعه پایدار پرداخت. در گام نخست به روش تحلیل وضعیت کنونی شهرها در دوران پسامدرنیسم، ویژگی‌های حاکم بر این دوران و نیروهای مؤثر از این منظر و یک رویکرد غالب، رقابت شهری که سیستم‌های شهری و روابط سلسله‌مراتبی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است، مورد بررسی قرار گرفت. از این منظر چند ویژگی کلیدی برای بازخوانی گفتمان توسعه پایدار، به‌عنوان یک الگوی ایدئولوژیک و عملیات، استخراج گردید. تفکر انعطاف‌پذیر (تفکر سیال، برخاسته از شرایط پسامدرنیته)، تفکر رقابتی (برخاسته از نیروهای محرک سیستم شهری)، تفکر مبتنی بر دانش و ارزش بومی (تفکر ارزشی - سیاسی،

برخاسته از چرخه‌های جهانی‌شدن)، تفکر تکنوکرات (برخاسته از چرخه‌های جهانی‌شدن)، تفکر هم‌جواری و هم‌پیوندی (برگرفته از نیروهای محرک بیرونی) از جمله ویژگی‌هایی است که باید در این بازخوانی مورد توجه قرار گیرد. در گام دوم گفتمان توسعه پایدار به‌اجمال در سه دوره تاریخی برای شناسایی ویژگی‌های هر دوره مورد بازبینی قرار گرفت و ویژگی‌های تفکر سلسله‌مراتبی (برگرفته از سیر اندیشه‌ای به مؤلفه‌های سازنده)، تفکر ارزشی (برگرفته از اندیشه انتقادی در دوران تثبیت و بازخوانی)، تفکر خلاقانه (برگرفته از رویکردهای نوآورانه و هنری در دوران پسامدرن) اندیشه و تفکر جزنگرانه (اهمیت توجه به هم‌پیوندی جزا و زیرسیستم‌ها در ایجاد یک کل یکپارچه) برای این بازخوانی استنباط گردید. در گام سوم نیز با توجه به استخراج مفاهیم برخاسته، گفتمان توسعه پایدار مورد بازخوانی و عوامل مؤثر بر بازخوانی آن معرفی گردید. از این گفتمان به‌عنوان یکی از الگوهای ایدئولوژیک و عملیاتی که در دوران مدرن تثبیت می‌شود، برای تداوم و کارایی برای نسل امروز و آینده باید خاستگاه خویش را در شرایط وقت (سازگار با اندیشه پسامدرن انعطاف‌پذیر) و همگام با نیروهای تأثیرگذار (نیروهای سیاسی و اقتصادی) جستجو کند تا بتواند با تفکری نوآورانه و خلاقانه، اقداماتی مؤثر را بر اساس دانش و تکنولوژی بومی در پی داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بر اساس مطالعات والتر شوانت دودسته مدل قابل‌شناسایی است. مدل‌های هنجاری - سیاسی و مدل‌های تکنیکی. مدل‌های تکنیکی بیشتر معطوف به بعد ماهوی نظریه‌ی برنامه‌ریزی است و مدل‌های هنجاری - سیاسی به‌مثابه شیوه درک و فهم سیستم شهری بر اساس یکسری ارزش‌های هنجاری می‌باشد. والتر شوانت مدل‌های درک فهم برنامه‌ریزی را در نیم‌قرن اخیر در ۷ مدل: عقلانی، وکالتی، نئومارکسیستی، عادلانه، یادگیری اجتماعی و کنش ارتباطی، رادیکالی و نئولیبرالیستی تقسیم می‌کند (به نقل از شورچه ۱۳۹۳).
۲. واژه «لیبرال» در برنامه‌ریزی نئولیبرالیستی به معنای «عدم دخالت دولت» است. نئولیبرالیسم در وهله نخست نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آن‌ها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد؛ اما نئولیبرالیسم‌سازی در عرصه‌های دیگر اجتماعی، سیاسی و مدیریتی نیز گفتمان‌های غالب را در مسیر بازار گرایی قرار می‌دهد. به‌گونه‌ای که نئولیبرالیسم گرایی و نئولیبرالیسم‌سازی به دیدگاه غالب در همه‌ی زمینه‌ها بدل شده است. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: (شورچه ۱۳۹۳)، (هاروی ۱۳۸۳) و (هاروی ۱۳۹۳).

3. David Harvey

۴. برای مطالعه‌ی بیشتر نگاه کنید به: (هاروی ۱۳۹۳)

5. Global

6. Universal

7. Variability

8. Connection

منابع

- توسلی، غلامعباس. ۱۳۸۵. بررسی گفتمان‌های غالب در بحث جهانی شدن. مجله مطالعات جامعه‌شناختی ۲۷(۱۹): ۱۵۷-۱۸۰.
- جی. بی. مدیسون. ۱۳۸۰. جهانی شدن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها (نگاهی پدیدارشناسانه به فرآیند جهانی شدن). ترجمه محمود سلیمی. نشریه راهبرد ۲۲(۱): ۱۶۹-۱۹۷.
- خانمحمدی، کریم. ۱۳۸۶. رویکرد انتقادی به پدیده جهانی شدن. فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) ۴۰(۱۰): ۱۲۳-۱۴۲.
- رابرتسون، رونالد. ۱۳۸۰. جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ. ترجمه کمال پولادی. تهران: نظر ثالث.
- شورچه، محمود. ۱۳۹۳. نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن ۲۱. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- عبداللهی، عبدالله و جعفر جوان. ۱۳۸۹. تبار تاریخی فرآیند جهانی شدن. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک ۲(۱): ۱-۱۰.
- گل محمدی، احمد. ۱۳۸۶. جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- لشگری تفرشی، احسان. ۱۳۹۳. تبیین نظری - فلسفی مفهوم فضای جغرافیایی در چارچوب فرایند جهانی شدن. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی ۲۵(۷): ۵۵-۶۸.
- والترز، مالکوم. ۱۳۷۹. جهانی شدن. ترجمه اسماعیل گیوی و سیاوش مریدی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- هاروی، دیوید. ۱۳۹۳. وضعیت پسامدرنیته: تحقیق در خاستگاه‌های تحول فرهنگی. ترجمه عارف اقوامی مقدم. تهران: نشر پژوها.
- Beck, Ulrich. 2006. Living in the world risk society. *Economy and Society* 35: 329- 345.

9. Intercommunication

۱۰. برای مطالعه‌ی بیشتر نگاه کنید به: (جی.بی.مدیسون و سلیمی ۱۳۸۰)

11. Global Transformation: Politics Economies and Culture

۱۲. تراکم زمان و مکان یا فشردگی فضا- زمان، در تعریف غالب نویسندگان بکار گرفته شده، در این میان دیوید هاروی تراکم مکان و زمان را در حوزه اقتصاد بکار می‌گیرد و معتقد است حدود سال ۱۹۷۰ انفجار دیگری در تراکم زمان و مکان به وقوع پیوست. این تحول با بحران انباشت بیش‌ازحد در نظام تولید انبوه آغاز شد. تراکم و انباشت تولید با اشباع بازار و به هم خوردن موازنه میان عرضه و تقاضا گردید و در نهایت به بحران اقتصادی منجر شد.

این بحران آن‌چنان شوکی به‌نظام وارد کرد که عملاً به مهار قیدوبندهای تولید انبوه پرداخت. نظام انباشت منعطف به وجود آمد که در آن کارگران قراردادی با استفاده از تخصص چندگانه‌ای خود محصولات را با سلیقه‌های متغیر مصرف‌کننده هماهنگ می‌کرد.

به نظر هاروی به تدریج «پسامدرنیته انعطاف‌پذیر» آن‌چنان وسعت یافت که اقدامات و رفتارهای دولت‌های ملی و شرکت‌های فراملی را تحت اختیار درآورد که نتیجه آن جهانی شدن واقعی است، زیرا انباشت منعطف خود نشان‌دهنده شکل خاصی از تراکم و کوتاه شدن زمان است.

۱۳. چنین رویکردی برخاسته از رویکرد متریالیستی می‌باشد.

۱۴. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: کتاب تجربه شهری و وضعیت پسامدرنیته نوشته دیوید هاروی

15. Brown Field

16. Green Field

17. World Council of Churches

18. Ecological Economics

19. Socioeconomics -Socio-Economic or Social

Economics

20. Geopolitics

21. Information Economics

22. Knowledge Economy

۲۳. این لفظ برگرفته از اندیشه دیوید هاروی از وضعیت پسامدرنیته است.